



دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، با اشاره به جایگاه ذات‌گرایی جدید و تاثیر آن بر علوم، گفت: این مبحث می‌تواند ایده‌ای نو و واقع‌گرایانه در عرصه تحول علوم انسانی به شمار آید.

از حدود سال های ماقبل ۱۳۹۰ با این تفتن که این گونه تفکرات عموماً غیرواقع گرایانه اند به دنبال شناسایی یا بازآفرینی ایده ای واقع گرایانه بودم. بسیار گشتم و در نهایت متوجه شدم جریان جدیدی وجود دارد که ایران معاصر از آن غافل است و به جهت همسویی آن با ذات گرایی و واقع گرایی فلسفه اسلامی می توان آن را به خوبی در جهت پویایی و امروزی سازی فلسفه اسلامی، که مابعدالطبیعه ما، یعنی مبانی فلسفی کلیه تفکرات؛ ما، را تشکیل می دهد به کار گرفت. هشت سال از آشنایی من با این جریان، یعنی ذات گرایی جدید، می گذرد.

*در این مدت چه دستاوردهایی از این جریان داشتید؟

در طول این هشت سال، به یاری آثار خود «ذات گرایی جدید» و به ویژه به یاری نمایندگان برجسته این جریان، همچون «برایان الیس» و «الکساندر برد»، دریافتم که «ذات گرایی جدید» مابعدالطبیعه جدیدی است. برخلاف جریان ضدذات گرایی و ضدواقع گرایی که به ذوات و خواص ذاتی داشتن واقعیت ها باور ندارد و معرفت ما به آن ها را نه مطابق با واقع بلکه طبق تعریف و قراردادی که از آن ها داریم می داند، پس از فیزیک کوانتوم، جریان ذات گرایی جدید به این تفتن درست راه یافته است که اشیاء (اعم از اشیاء میکروسکوپی و ماکروسکوپی) دارای ذوات و خواص ذاتی اند و شناخت ما از آن ها شناخت ذوات و خواص ذاتی ای است که جزوی از واقعیت آن ها را تشکیل می دهند و از آنجا که شناخت ما شناخت جزوی از واقعیت آن ها است شناختی مطابق با واقع آن ها و شناخت درستی است.

دراین صورت، برخلاف ضدذات گرایی و ضد واقع گرایی که معرفت ما به اشیاء را معرفتی طبق دیکته، طبق تعریف، طبق قرارداد و بنابراین نسبی گرایانه می داند، ذات گرایی جدید بر این باور درست است که معرفت ما از اشیاء معرفتی طبق واقع آن ها و بنابراین معرفتی صادق و غیرنسبی است.

برخلاف ضدذات گرایی و ضدواقع گرایی که معرفت ما به اشیاء را معرفتی طبق دیکته، طبق تعریف، طبق قرارداد و بنابراین نسبی گرایانه می داند، ذات گرایی جدید بر این باور درست است که معرفت ما از اشیاء معرفتی طبق واقع آن ها و بنابراین معرفتی صادق و غیرنسبی است.

اما ذات گرایی جدید این ایده را نه فقط در امور طبیعی و علوم طبیعی بلکه در امور انسانی و اجتماعی و علوم انسانی و اجتماعی نیز رایج می داند. ذات گرایی جدید، علاوه بر مادیات، مجرداتی مثل خدا، نفس و عقل را نیز دارای ذوات و خواص ذاتی واقعی و اعتباریات علوم اجتماعی را دارای ذوات و خواص ذاتی اعتباری می داند. به جای اینکه محض اعتبار و قرارداد باشند اعتباراتی اند که بر واقعیت ها قائم اند.

ذوات و خواص ذاتی مادیات و مجردات و بخصوص ذوات و خواص ذاتی آدمی منشاء عاملیت انسان بوده و انسان بر پایه همان ذوات و خواص ذاتی به اعتباراتی دست می زند. این اعتبارات دارای ذوات و خواص ذاتی طبق اعتبار آدمی می شوند و از این طریق بحث از این گونه اعتبارات به جای اینکه بحثی صرفاً قراردادی و نسبی گرایانه باشند بحثی قائم به ذوات و خواص ذاتی آدمی بوده و دست کم در اعتباریاتی که عموم انسان ها دارند به ذوات و خواص ذاتی عموم انسان قائم می شوند.

در این هشت سال دریافتم که فلسفه ها، فلسفه علم ها و فلسفه های علوم انسانی معاصر اندیشه هایی غیرواقع گرایانه اند و بهره برداری از آن ها ما را به بیراهه خواهد برد، همانطور که غالب کسانی که از آن ها بهره برده اند به بیراهه رفته اند و می روند. در این هشت سال دریافتم که با اخذ، تحلیل، نقد و بازسازی «ذات گرایی جدید» به خوبی می توانیم فلسفه اسلامی را از عقب ماندگی و عدم پویایی رهایی داده و به فلسفه اسلامی پویا و امروزی راه یابیم. در این صورت نگاه ما به علوم طبیعی و علوم انسانی واقع بینانه خواهد بود.

*مگر نگاه ما به علوم طبیعی و علوم انسانی غیرواقع بینانه است؟

اندیشمندان و ته دانشمندان، عمدتاً تحت تأثیر فلسفه ها و فلسفه علم های معاصر، همچون قراردادگرایان، ذرات میکروسکوپی را ته موجود بلکه قرارداد می دانند. از نظر آنان، امثال الکترون، پروتون، اتم، عنصر، کروموزم، ویروس و مولکول دارای وجودی واقعی نیستند، بلکه برای اینکه بتوانیم فرایندهای طبیعی را توضیح دهیم آن ها را فرض و قرارداد کرده ایم. از این روی توضیحی هم که از آن ها می دهیم نه مطابق با واقع آن ها بلکه مطابق با تعریف و قراردادی که از آن ها داریم خواهد بود. این دیدگاه به تدریج به اشیاء ماکروسکوپی نیز سرایت کرد و اکنون آنان عمدتاً شناخت ما از اشیاء را نه طبق واقع آن ها و درست بلکه طبق تعریفی که از آن ها داریم و در نهایت بهترین توضیح در نزد دوستداران اینگونه توضیحات می دانند.

این گونه نگاه غیرواقع بینانه به علوم انسانی نیز سرایت کرده است. در علوم انسانی نیز امور انسانی را صرف قرارداد بین انسان ها می دانند و از این روی شناخت ما از انسان ها را طبق قرارداد و تعریفی که از آن ها داریم به شمار می آورند. در این صورت هر گروه و فرقه ای شناخت از امور انسانی را طبق گروه و فرقه خود، و به اصطلاح طبق پارادایم خود، تعریف و توضیح خواهد داد و به جای اینکه از امور انسانی دارای فهم مشترکی باشیم دچار نسبی گرای شده و هر گروه و فرقه ای امور انسانی را طبق پارادایمی که با سایر

پارادایم‌ها قابل قیاس و سنجش نیست توضیح خواهد داد. در این صورت هیچ‌کس و هیچ گروهی نمی‌تواند مدعی شناخت درست امور انسانی باشد. در نتیجه به این باور دچار خواهند بود که شناخت درست انسان و امور انسانی غیرممکن است.

*آیا «ذات‌گرایی جدید» می‌تواند منجر به نگرشی واقع‌بینانه در عرصه های علمی ما شود؟

ذات‌گرایی جدید صورت پیشرفته ذات‌گرایی قدیم و ذات‌گرایی در فلسفه اسلامی است. ذات‌گرایی جدید و به ویژه تحلیل، نقد و بازسازی آن می‌تواند به فلسفه اسلامی پویا و امروزی رهنمون شود. فلسفه اسلامی امروزی نیز می‌تواند مبانی فکری فلسفی واقع‌بینانه؛ بینانه‌ای را در فهم و توضیح علوم و امور در اختیار ما قرار دهد. بر این اساس می‌توانیم دریابیم که کشف یا شناخت اشیاء و امور به شناخت ذات و خواص ذاتی آن‌ها است. شناخت مادیات و مجردات به شناخت ذات و خواص ذاتی واقعی آن‌ها و شناخت اعتباریات به شناخت ذات و خواص ذاتی اعتباری آن‌ها است. اعتباریات علوم اجتماعی نیز آنجا که اعتبارات تجربی‌اند به تجربه، آنجا که اعتبارات عقلی‌اند به عقل و آنجا که اعتبارات نقلی‌اند به نقل و منابع منقول دینی و غیردینی وابسته‌اند.

ذات‌گرایی جدید صورت پیشرفته ذات‌گرایی قدیم و ذات‌گرایی در فلسفه اسلامی است. ذات‌گرایی جدید و به ویژه تحلیل، نقد و بازسازی آن می‌تواند به فلسفه اسلامی پویا و امروزی رهنمون شود

در این هنگام، در بحث ارتباط علم و دین، معلوم می‌شود که کشف یا شناخت کدامین اشیاء یا امور به علم و کدامین اشیاء یا امور به دین وابسته است. و آیا رسالت دین بر معرفی و شناسایی هر چیزی (اعم از تجربی، عقلی، نقلی) است یا فقط بر معرفی و شناسایی اموری است که در جهت سعادت و آخرت آدمی قرار دارند.

به خوبی می‌توان دریافت که شناخت مادیات به شناخت ذوات و خواص ذاتی آن‌ها از راه تجربه است و دین آن را به تجربه سپرده است، شناخت مجردات به شناخت ذوات و خواص ذاتی آن‌ها از راه عقل است و دین آن را به عقل سپرده است (و البته آنجا که در جهت هدایت آدمی باشند دین نیز از باب اینکه تأییدکننده عقل و جزوی از عقل و بلکه رئیس‌العقلاء است سهیم است) و شناخت اعتباریات به ذوات و خواص ذاتی اعتباری آن‌ها است، منتهی اعتباریات تجربی از راه تجربه، اعتباریات عقلی از راه عقل، اعتباریات نقلی بشری از راه منابع منقول بشری، و اعتباریات نقلی دینی از راه منابع منقول دینی به دست می‌آیند.

دین هرچند از همه منابع تجربی، عقلی، و نقلی، در جهت هدایت آدمی بهره برده است، امور تجربی را با تأیید تجربه، امور عقلی را با تأیید و آنجا که لازم باشد با تهذیب عقل، و امور نقلی دینی را با تأسیس نقلی خود به کار گرفته است.

بازسازی «ذات‌گرایی جدید» و فلسفه اسلامی امروزی به درستی نشان می‌دهند که چگونه می‌توان، در عرصه علوم، از امثال علوم طبیعی، علوم انسانی، و علوم انسانی اسلامی، و در عرصه امور از امثال الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و تمدن نوین اسلامی، توضیحات و راهکارهای واقع‌بینانه؛ بینانه‌ای به دست داد و بدین ترتیب مسائل و مشکلات اجتماعی را به نحوی واقع‌بینانه حل و فصل کرد.

*به طور کلی برای شناسایی و بازسازی جریان «ذات‌گرایی جدید» چه فعالیت‌هایی تاکنون داشتید؟

نخست تأثیرگذارترین کتاب این جریان در عرصه علوم طبیعی، یعنی ذات‌گرایی علمی (Ellis, Brian, Scientific Essentialism, Oxford, ۲۰۰۱)، را مورد ترجمه و پژوهش قرار داده و در شرف چاپ قرار داده‌ام. دوم تأثیرگذارترین کتاب این جریان در عرصه علوم انسانی و علوم اجتماعی، یعنی انسان‌گرایی اجتماعی، مابعدالطبیعه جدید (Ellis, Brian, Social Humanism, A new metaphysics, Routledge, ۲۰۱۲)، را در دست ترجمه و پژوهش دارم. همچنین مقاله‌ای تحت عنوان «ذات‌گرایی جدید در فلسفه علم معاصر (جریانی مهم اما ناآشنا در ایران معاصر)» را در نشریه «ذهن»، شماره ۷۴، تابستان ۱۳۹۷، منتشر ساخته‌ام. این مقاله را به همراه ترجمه شش مقاله جدید مربوط به جریان ذات‌گرایی جدید تحت عنوان «ذات‌گرایی جدید در فلسفه علم معاصر» در شرف چاپ دارم. در پی بازسازی معرفت‌شناسی ذات‌گرایی جدید، تحقیق «واقع‌گرایی در علوم انسانی اسلامی» را در شرف چاپ، و تحقیق «ذات‌گرایی جدید و حدود تأثیر دین بر علوم» را در دست تحقیق دارم. (ناشر همه این آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی است.) چندین مقاله تألیف شده نیز دارم که برخی محدودیت‌ها مانع انتشار آن‌ها است.

*فکر می‌کنید در جهت اشاعه و بازسازی جریان «ذات‌گرایی جدید» چه اقداماتی باید در عرصه علمی کشور صورت پذیرد؟

جریان «ذات‌گرایی جدید» جریان واقع‌گرایانه‌ای در مقابل تقریباً کل فلسفه‌ها، فلسفه علم و سایر مراکز آموزشی و پژوهشی مرتبط با فلسفه، فلسفه علم و فلسفه‌های علوم انسانی در جهت شناسایی، بازسازی، و بهره‌برداری از این جریان سرمایه‌گذاری، گذاری و های علمی و مالی بالایی را معمول دارند. در این صورت می‌توان امیدوار بود که بخش اعظم مجامع علمی و آکادمیک کشور بتوانند خود را از ناواقع‌گرایی‌ها سازند.